

<https://www.aftabekherad.ir>

Decline of culture and professional ethics

Vahid Kangrani Farahani^۱

Received: 2018/08/31

Accepted: 2018/09/19

Abstract

Culture is one of the drivers of a civilization and culture. Elites who, in addition to social and professional growth and excellence, also have the capacity for moral growth and excellence can contribute to the moral growth of a society in addition to its material growth and have an impact on the general class of society. Meanwhile, the decline and growth of moral culture in the fields of professions, jobs and management of a society can provide the basis for the moral growth of society. The crisis in this area means the loss of moral sensitivity of the educated and the general public and causes the growth of crimes, violations and various types of social crimes. Today, various areas, including cognitive problems, relativism and commodification of humans, are among the obstacles to the growth of moral culture. Finally, it seems that in order to institutionalize morality and moral culture, there is a need for planning to promote moral knowledge in theoretical and educational fields, legislation and determination of reward and punishment systems in operational fields.

Keywords: Professional ethics, culture, moral foundation, moral sensitivity

^۱ - Graduate of Qom Seminary at the third level and a master's degree in applied ethics
Vahidfarahani86@gmail.com

افول فرهیختگی و اخلاق حرفه‌ای

وحید کنگرانی فراهانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۸

چکیده

فرهیختگی یکی از پیش‌برنده‌های یک تمدن و فرهنگ می‌باشد، نخبگانی که در کنار رشد و تعالی اجتماعی و شغلی ظرفیت‌هایی برای رشد و تعالی اخلاقی نیز داشته باشند، می‌توانند در کنار رشد مادی یک جامعه به رشد اخلاقی آن نیز کمک کرده و در طبقه عمومی جامعه اثرگذار باشند. در این میان افول و رشد فرهیختگی از جنس اخلاق در حوزه حرفه‌ها، مشاغل و مدیریت یک جامعه می‌تواند زمینه رشد اخلاقی جامعه را فراهم آورد. بحران در این حوزه به معنای از دست رفتن حساسیت اخلاقی فرهیختگان و عموم مردم بوده و باعث رشد جرایم، تخلفات و گونه‌های مختلف بزه اجتماعی می‌شود. امروزه زمینه‌های مختلفی از جمله مشکلات شناختی، نسبی‌گرایی و کالاانگاری انسان، از جمله موانع رشد فرهیختگی اخلاقی بوده و در نهایت به نظر می‌رسد برای نهادینه‌سازی اخلاق و فرهیختگی اخلاقی نیاز به برنامه‌ریزی در راستای ارتقای دانش‌های اخلاقی در حوزه‌های نظری و آموزشی، قانون‌گذاری و تعیین نظام‌های پاداش و جزاء در حوزه‌های عملیاتی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، فرهیختگی، بنیان اخلاقی، حساسیت اخلاقی

^۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم در مقطع سطح سه و کارشناسی ارشد اخلاق کاربردی - Vahidfarahani86@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

اخلاق یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که به رفتار و روابط انسانی سامان داده و عاملی اساسی برای کنترل درونی و بیرونی اجزای جامعه است. گرچه قانون که شکل رسمیت یافته اخلاق هنجاری جامعه است، در جهان مدرن بیشترین نقش را در ایجاد سامان، نظم و ساخت‌یابی ارتباطی و رفتاری دارد، اما کماکان باورها، اعتقادات و پایبندی‌های اخلاقی، نقش اساسی و بی بدیل خود را در ساماندهی به کنش‌ها و روابط بشری حفظ کردند. گرچه معیارهای اخلاقی ریشه در منابع متکثری دارد و اجتماعات بشری با اتکاء به منابع متفاوت، اصول اخلاقی خود را استخراج و به مرور به امری اجتماعی و نهادینه مبدل می‌سازند، اما همینکه اصول اخلاقی فرایند نهادینگی را سپری نماید، بنیانی اساسی برای ساماندهی به روابط و کنش‌های اجزای جامعه در روابط تعاملی است. این معیارها متضمن ابعاد، عرصه‌ها و ساحت‌های متفاوت زندگی اعم از اقتصاد، فرهنگ، روابط متقابل اجتماعی، سیاست و حتی روابط رسمی و سیاسی است. بخش زیادی از ساماندهی هنجاری به رفتارها با معیارهای اخلاقی انجام شده و اخلاق در نقش منبعی اساسی برای ایجاد سامان اجتماعی عمل می‌کند. در حوزه‌های حرفه‌ای نیز معیارهای خاصی در قالب اخلاق حرفه‌ای تعریف می‌گردد که وظایف، نقش‌ها و الگوهای ارتباطی بین صاحبان نقش با مخاطبان و یا مراجعان را تعریف می‌نماید. هر چه جامعه از پایداری، ثبات و نظارت قوی‌تر و هوشمندانه‌تری برخوردار باشد و در روندی سیال مداوماً از معیارها و کارآمدی آن محافظت نماید، آثار کارکردی معیارهای اخلاقی امکان و احتمال بیشتری برای تداوم و اثربخشی دارند. اما عوامل گوناگونی مداخله می‌کنند که در نتیجه معیارهای اخلاقی، موقعیت و مقام خود را هم در عرصه نظری و هم از نظر پایبندی عملی از دست می‌دهند.

در حوزه اخلاق حرفه‌ای عموماً اجزای جامعه انتظاراتی را در قالب گزاره‌ها و یا ترجیحات هنجاری از نقش‌ها و یا حرفه‌های خاص دارند که به مرور این وظایف انتظاری به هنجارهای اخلاقی در هر یک از عرصه‌های حرفه‌ای مبدل می‌گردد. برای مثال در عرصه پزشکی، سامان‌بخشی روابط پزشکی، کادرهای پزشکی، محیط‌های بیمارستانی و درمانگاهی، دستورالعمل‌ها، معیارها و اصولی است که برآیند کلی آن در اخلاق پزشکی قابل تعریف است. این وضعیت درباره تمام عرصه‌های حرفه‌ای عینیت دارد و عموم کنشگران، رفتارها و روابط خود را بر مبنای آن تنظیم کرده و سامان می‌بخشند. برخی از حرفه‌ها و عرصه‌های زندگی آنقدر اهمیت دارد که مردم انتظاراتی فراتر از اخلاق عمومی از آنها دارند؛ برای مثال مردم انتظار دارند که اساتید دانشگاه با غلبه و جه فرهیختگی نه تنها به اخلاق حرفه‌ای این

عرصه خود را ملتزم بدانند بلکه فراتر از آن تمایل دارند که این اساتید در نقش یک فرهیخته نخبه، خود منادی رفتارها و روابطی باشند که از نظر هنجاری و تعهد اجتماعی عمیق‌تر از معیارهای رایج هنجاری است.

گاهی این وضعیت نه تنها دچار اختلال، آسیب و فرسایش می‌شود بلکه برخی از کنشگران در موقعیت فرهیختگی و حرفه‌ای رفتارهایی را انجام می‌دهند که در نقطه مقابل هنجارهای تعریف شده آن نقش قابل دسته‌بندی است. برای مثال اخلاق قضایی مبتنی بر تلاش بی‌طرفانه کادر قضایی برای استیفای حقوق و تعیین‌بخشی به حق است، اما چنانچه رفتار قضایی، کادر قضایی یا فرایندهای قضایی به گونه‌ای اجرا و اعمال گردد که با باورهای اخلاقی نسبت به این قشر اجتماعی انطباق نداشته باشد، جامعه دچار ناهمگونی ادراکی نسبت به ساخت و ساحت اخلاق حرفه‌ای این عرصه می‌شود.

گاهی اخبار و شواهدی مشاهده می‌شود که حاکی از آن است معیارهای اخلاقی در برخی از عرصه‌ها با اختلال، ناپایداری و ناپابندی مواجه است. این وضعیت گرچه نسبت به برخی حرفه‌های غیرنخبگی شاید قابل تحمل باشد، اما در عرصه‌های نخبگی که جنبه‌های فرهیختگی آن برجستگی دارد، نه تنها قابل پذیرش نیست، بلکه نوعی روابط و شرایط آنومیکی را بازتاب می‌کند که می‌تواند بی‌اعتمادی، ناپایداری‌های رفتاری و اضطراب‌های متفاوت اجتماعی مبتنی بر نوعی احساس ناامنی را در جامعه تعمیق و استمرار بخشد. انتظارات اجتماعی نسبت به نقش‌های نخبگی مثل اساتید دانشگاه، قضات، پزشکان، وکلا، معلمان، روحانیون، صاحبان اندیشه، اهل قلم، اندیشمندان، هنرمندان و ورزشکاران به گونه‌ای است که انتظار ندارند آنان نسبت به اصول و معیارهای اخلاقی بی‌تفاوت بوده و با رفتارشان نشان دهند که نوعی شرایط آنومیک که مستلزم افول معیارهای اخلاقی و فرهیختگی است در آنها تعمیق و تعمیم می‌یابد.

همانگونه که بیان شد شواهد نشان می‌دهد که برخی از وابستگان به اقشاری که در موقعیت پختگی و فرهیختگی قرار گرفته‌اند، به رفتارها، روابط و ناپایداری‌هایی ابتلاء یافته‌اند که با نظامات اخلاقی در آن عرصه‌ها به‌ویژه بر مبنای انتظار عمومی از اخلاق و پایداری‌های اخلاقی اقشار نخبه انطباق ندارد.

این پژوهش در پی آن است که ضمن تشریح برخی از ابعاد این پدیده، علل و عواملی که می‌توانند در این فرایند مؤثر باشند را مورد بازکاوی و بازاندیشی قرار دهد تا مشخص شود اولاً این وضعیت واجد چه نگرانی‌هایی است، ثانیاً چه روندی به این موضوع مستولی است که می‌تواند واجد آثار نهفته اجتماعی باشند.

۱- بنیان اخلاق حرفه‌ای و فرهیختگی

۱-۱- اخلاق و بنیاد اخلاق حرفه‌ای

اخلاق در اصطلاح مقدماتاً به معنی ملکه نفسانی است که موجب می‌شود کارها به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از انسان صادر شود (نراقی، ۱۳۸۲: ۴۶).

وقتی عملی به طور مکرر انجام پذیرد معنای حاصل از آن هر بار در روح انسان اثر می‌گذارد و پس از مدتی در روح رسوخ کرده و مستقر می‌شود، به طوری که زوال آن بسیار دشوار صورت می‌گیرد، در این صورت می‌گویند آن صفت به صورت ملکه درآمده ولی اگر انسان حالتی داشته باشد که هنوز به صورت «ملکه» درنیامده و در روح مستقر نشده باشد و صدور اعمال از آن به آسانی صورت نپذیرد، از چنین حالتی به «حال» تعبیر می‌شود (همان، ص ۲۲).

در تعاریف سنتی از اخلاق، اخلاق عمدتاً ناظر بر منش و فضایل درونی است تا رفتار بیرونی و اندیشمندان سلف، اخلاق را بیشتر از باب نجات‌بخشی، سعادت و نقش آن در کمال انسانی مورد بحث قرار داده‌اند. در مقابل، امروزه اخلاق را ناظر بر رفتار مطرح می‌کنند که متمرکز بر منش و امور انفسی نیست و به حوزه رفتار، سازمان و سیستم وارد شده است. در واقع اخلاق، رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر منافع یا حقوق طرف ارتباط تلقی می‌شود که رویکردی متفاوت با رویکردهای سنتی در حوزه اخلاق می‌باشد (قراملکی، ۱۳۹۳: ۳۵).

در واقع اخلاق هر چه به جلوتر آمده از حوزه انفس به سمت آفاق حرکت کرده و ورود اخلاق به حوزه اصناف، سازمان‌ها و طرح چالش‌های اخلاقی بی‌سابقه در سنت‌های پیشین از همین باب می‌باشد. بنابراین با اغماض از پیچیدگی‌های تعریف اخلاق، اخلاق را نه تنها به عنوان امری شخصی و درونی بلکه به عنوان امری که در عین شخصی و درونی بودن در حوزه مسائل اجتماعی، قضاوت اخلاقی و ارائه منشورهای سازمانی و رفتارهای بیرونی نیز صلاحیت ورود دارد، تلقی می‌کنیم. در رویکردهای جدید اخلاقی که برخی آن را اخلاق مدرن تلقی کرده‌اند، در عین داوری و قضاوت اخلاقی بر انسان‌ها، نهادهای اجتماعی هم مورد داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. برای مثال یک نهاد سیاسی، اقتصادی و یا حقوقی مورد قضاوت قرار گرفته و در خصوص اخلاقی یا غیراخلاقی بودن آن نهاد اظهار نظر می‌شود.

وقتی می‌گویند «تو» باید به نیازمندان کمک کنی و در مقابل هم می‌گویند «شکاف طبقاتی» یک امر نادرست است، می‌بینیم که این مورد مربوط به یک فرد نیست، بلکه در اینجا یک تفاوت جدی وجود دارد که علاوه بر افراد روی نهادهای اجتماعی مانند نهاد سیاست، اقتصاد،

خانواده و... و همچنین بر شرایط اجتماعی مانند شکاف طبقاتی، فساد اداری و... داوری نیز اخلاقی می‌شود (ملکیان، ۱۳۹۱).

به تبع این نگرش نیز اخلاقی زیستن ضمن حفظ حوزه‌ها و دستورالعمل‌های فردی، وارد چالش‌های سازمان، اصناف و مشاغل شده و علاوه بر فرد اخلاقی می‌توان سازمان اخلاقی و مشاغل اخلاق‌محور نیز داشت.

در چنین بستری اخلاق حرفه‌ای مجموعه قوانین اخلاقی می‌باشد که در وهله اول، از ماهیت حرفه یا شغل به دست آمده است. اخلاق حرفه‌ای، مسئولیت اخلاقی فرد از حیث شغل بوده و فرد به‌عنوان شخص حقیقی، مسئولیت اخلاقی دارد. مسئولیت‌های اخلاقی او برخاسته از شغلی است که بر دوش گرفته است به‌گونه‌ای که اگر شغل دیگری را می‌پذیرفت، مسئولیت‌های اخلاقی وی نیز تغییر می‌کرد. هر شغلی به اقتضای حرفه‌ای، مسئولیت‌های اخلاقی خاصی را می‌آفریند. اخلاق در این مفهوم به شغل وابسته است که بر حسب تنوع مشاغل، اخلاقیات خاصی را موجب می‌شود: اخلاق پزشکان، اخلاق معلمان، اخلاق مدیران و ... (قراملکی، ۱۳۸۸: ۱۷۲) و اما اخلاق سازمانی عبارت است از بررسی و عمل به رفتار اخلاقی در سازمان که شامل توضیح و ارزیابی ارزش‌های ریشه‌دار در سیاست‌ها و اعمال سنتی و جستجوی مکانیزم‌هایی برای اخلاقی نمودن عملکردهاست (مهدوی، ۱۳۹۲).

در تبیین بیشتر پارادایم اخلاق حرفه‌ای باید گفت امروزه دو دیدگاه در تبیین قلمروی اخلاق بر نگرش‌های اخلاقی سایه افکنده که ما از آن به‌عنوان نگاه حداقلی و حداکثری به اخلاق تعبیر می‌کنیم.

برخی از جریانات اخلاقی با مقید کردن اخلاق، آن را از حوزه‌هایی همچون اقتصاد و سیاست خارج کرده و حوزه اخلاق را محدود و مقید می‌کنند.

دو تن از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه، **ماکیاولی**^۱ فیلسوف ایتالیایی و **فریدمن**^۲ اقتصاددان آمریکایی است. فریدمن که معروف به بنیانگذار مکتب شیکاگو در اقتصاد است، معتقد است هیچ‌گونه بحث اخلاقی یا هنجاری نباید به اقتصاد ورود کند و کنشگر اقتصادی و سیاست‌گذار اقتصادی نیازی به رعایت اخلاق ندارند.

به گفته فریدمن: «یک تاجر خوب تنها موظف به رعایت قانون است و نمی‌توان از او رعایت اخلاق را خواستار شد». در بیان او، مشاغل و بنگاه‌های اقتصادی، رسالتی جز کسب سود ندارند. از این‌رو، سخن از مسئولیت اجتماعی آنها اشتباه است. به اعتقاد او تنها خط قرمز صاحبان حرفه‌ها و مشاغل، قانون است (توکلی، ۱۳۸۹).

^۱. Machiavelli, Niccolò

^۲. Friedman, Milton

یکی دیگر از مصادیق نگرش‌های حداقل‌گرایانه در حوزه اخلاق، تفکیک اخلاق از سیاست است. اساساً در نسبت بین اخلاق و سیاست چهار نظریه مطرح است که شریعت آن را اینگونه تبیین می‌کند: نظریه تفکیک اخلاق از سیاست، نظریه اولویت سیاست بر اخلاق، نظریه اخلاق دو سطحی و نظریه یگانگی اخلاق و سیاست؛ که طرفداران نظریه «تفکیک اخلاق از سیاست» بر این باورند که سیاست ناظر بر قدرت و معطوف به مصلحت عمومی است، حال آنکه اخلاق ناظر بر خیر و معطوف به عرصه خصوصی است. نظریه دوم «اولویت سیاست بر اخلاق» بیشتر پس از ظهور نظریات مارکسیستی - لنینیستی به شکل یک مدل نظری درآمد. سومین نظریه «اخلاق دو سطحی» است. این دیدگاه تلاش برای به کارگیری پاره‌ای از اصول اخلاقی و گاه اولویت یکی بر دیگری در عرصه سیاست است (شریعت، ۱۳۹۰).

نظریه ماکیاولیستی که معتقد به تفکیک حوزه اخلاق از سیاست است از جمله نظریات حداقل‌گرایانه در این حوزه می‌باشد. در این فضا سیاست و تبعاً سازمان‌های وابسته و پوشش‌دهنده حاکمیت و نهاد سیاست در گذر از اخلاق تنها به منافع می‌نگرند و در بزنگاه‌های تعارض بین اصول اخلاقی و اصول حرفه‌ای و سیاست، اخلاق را فدای مطامع خود می‌کنند.

در مقابل، دیدگاه حداکثری به اخلاق، تأکید بر شمول اخلاق، با تکیه بر اطلاق کلمه فعل و منش اختیاری در تعریف اخلاق می‌باشد. اگر قلمرو و موضوع اخلاق شامل افعال و منش ارادی و اختیاری است، نباید حوزه‌هایی همچون اقتصاد و سیاست حتی به دلیل شرایط خاص این نهادها از این اطلاق خارج شوند. بر اساس نگرش دوم، اخلاق مشاغل و اصناف، یکی از دغدغه‌های جدی اخلاق‌پژوهان است.

۲-۱- فرهیختگی

مفهوم فرهیختگی را می‌توان به دو معنا مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

معنای اول) فرهیختگان به معنای اقشار فرهیخته و کسانی هستند که به لحاظ جایگاه و شأن اجتماعی نسبت به بقیه اقشار جامعه در جایگاه فکری و شغلی بالاتری قرار دارند، اقشاری همچون وکلا، پزشکان، اساتید دانشگاه و...

معنای دوم) فرهیختگی متمرکز بر نوعی حکمت و فرزانی است که لازمه آن، اساساً شأن و جایگاه اجتماعی ویژه نبوده و البته منافاتی با پیشگامی و نخبگی هم ندارد. در این معنا فرهیختگی غیر از نخبگی و کتابخوانی است. «تدبیر، موقعیت‌شناسی، قدرت تحلیل و

سنجش، عقلانیت و بصیرت و شاید بیشتر از همه نوعی وجدان اخلاقی» از جمله ویژگی‌های فرهیختگان است. آنان با بهره از این خصایص می‌توانند پیشگام جامعه باشند و مسئولیتی که از این گروه انتظار می‌رود آگاهی‌دهی به جامعه است. به بیانی دیگر ارتقای آگاهی جامعه از طریق عقلانیت و تدبیر نخبگان میسر می‌شود (مجتهدی، ۱۳۹۳).

فرهیخته به معنای اول در هر جامعه زیاد است، اما تعداد فرهیختگان به معنای دوم کمتر بوده و تربیت فرهیخته به معنای دوم به مراتب سخت‌تر می‌باشد.

مفهوم مقلبل فرهیختگی «میان‌مایگی»^۱ است که به‌عنوان یکی از آفت‌های زندگی جدید مطرح می‌باشد. ساختارها و سبک زندگی جدید، انسان امروز را تبدیل به نوعی ماشین از پیش طراحی شده می‌کند و انسان‌هایی شبیه به هم را به عنوان خروجی این مکانیزم به جامعه عرضه می‌کند؛ انسان‌هایی که اگرچه دارای فرهیختگی به معنای اول هستند اما میان‌مایه بوده و به دنبال تفرّد و ریاضت اخلاقی نیستند؛ ریاضت اخلاقی‌ای که می‌تواند گاه به صورت فردی تجلی کند و گاه به صورت حرفه‌ای و سازمانی و در رفتاری نمایانگر شود. میان‌مایگی باعث می‌شود تا کنش‌های اخلاقی که بر خلاف منافع و مطامع مالی فرد است به حداقل برسد.

۲- افول فرهیختگی اخلاقی و شاخص‌های آن

کلیدواژه «بحران اخلاق» از جمله کلیدواژه‌هایی است که برخی از اندیشمندان در خصوص وضعیت اخلاق در دوران ما به کار برده‌اند. اما افول فرهیختگی اخلاقی به چه معناست و در چه شرایطی می‌توان فرد و جامعه‌ای را دچار انحطاط اخلاقی تلقی کرد؟

۲-۱- معنای افول فرهیختگی اخلاقی

تخلف و خطای اخلاقی افراد، معمولاً هم سرزنش‌کننده درونی دارد که همان وجدان اخلاقی وی است و هم سرزنش‌کننده‌های بیرونی که خطای اخلاقی او را مشاهده کرده و به او تذکر می‌دهند. اما ملاک افول اخلاق در این فضا چیست؟ می‌توان چند دیدگاه را مطرح ساخت:

الف) کثرت تخلفات و خطاهای اخلاقی از سوی افراد و سیستم‌ها (مدیران، صاحبان حرف نظیر پزشکان، مهندسان، سازمان‌ها و ...) یکی از ملاک‌های افول اخلاق است. در جامعه‌ای که افراد زیاد دروغ بگویند و این مسئله دچار کثرت و تواتر شود و یا مدیران آن به راحتی حقوق مشتریان را زیر پا بگذارند و یا به شفافیت به‌عنوان اصلی اخلاقی در حوزه سازمان‌های

۱. Mediocrity

دولتی پایبند نباشند و وقتی رویه‌های مشابه این امور مکرراً اتفاق بیفتد، شاهد افول فرهیختگی اخلاقی هستیم.

ب) کالایی شدن خدمات و وظایف: سودانگاری فزاینده و غلبه «گفتمان منفعت» بر «گفتمان تعهد» و پاسخگویی، سازوکاری است که می‌تواند روند کالایی شدن خدمات توسط عناصر نخبگی را تسهیل نماید. رادیکالیزم پول‌اندیشی و منفعت‌گرایی گاهی چنان وجه غالبی در روابط حرفه‌ای با مخاطبان می‌گردد که کلیه انتظارات نقش، حقوق متقابل و ارزش‌های اخلاقی را با تقلیل و فرسایش مواجه می‌سازد. این فرایند ارتباط نخبه و قشر فرهیخته با بدنه جامعه را به منافع انفرادی تقلیل داده و حتی انتظارات نقش که برآمده از نظام هنجارهای اجتماعی است را با تقلیل و امتناع مواجه می‌سازد.

ج) هنجاری شدن روندهای ناهنجار: بطور طبیعی اقشار نخبه ارائه دهنده کالاها و فرآورده‌هایی هستند که در متن آن هم «کمیابی» وجود دارد و هم «نیاز». نیاز جامعه به این نوع فرآورده‌ها زیاد و میزان کالا و خدمات ارائه شده محدود است، به این دلیل که تعداد افراد کمی می‌توانند ادامه‌دهنده و حامل این ظرفیت‌ها باشند. آگاهی قشر نخبه به این حقیقت مصروف و محدود به زمان حاضر نیست، اما آنچه سبب حفظ پیوندها بوده است التزام درونی به نظامات اخلاقی می‌باشد. این روند درباره برخی از منتسبان به اقشار نخبگی به گونه‌ای رنگ می‌بازد که آنان برای گرانتر فروختن کالا و خدمات خود روش‌های جایگزینی را انتخاب می‌کنند که در چارچوب معیارهای حقوقی و یا اخلاقی تعریف نمی‌گردند. ارائه خدمات در خارج از محیط حرفه‌ای، دور زدن و تأخیر در ارائه خدمات، افزایش هزینه خدمات به شکل غیررسمی، طلب کردن خدمات اضافی از مخاطبان خارج از نظامات هنجاری و یا اخلاق حرفه‌ای و ... از جمله روش‌های ناهنجاری است که گاهی شواهدی برای آن پدیدار می‌گردد که می‌تواند مخاطرات اجتناب‌ناپذیری را به جامعه و اخلاق اجتماعی تحمیل نماید.

د) چند حرفه‌ای شدن و خارج شدن از مسئولیت‌های نقش: همه انتظار دارند یک وکیل در جایگاه وکالت به کار حرفه‌ای خود مشغول شود، همین‌گونه است درباره یک پزشک، ورزشکار، قاضی، نماینده مجلس، روحانی و... اما گاهی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد موقعیت حرفه‌ای، فرصت‌های بی‌نظیری برای افراد می‌آفریند تا با اتکاء آن بتوانند خارج از مسئولیت‌های حرفه‌ای خود عمل کنند. برای مثال گاهی شنیده می‌شود که برخی از نخبگان دارای مؤسسات شخصی هستند و منافع انفرادی خود را در آن جستجو می‌نمایند و یا برخی از نخبگان واجد حرفه‌های جدیدی شده‌اند که سودآوری بیشتری برای آنان دارد مانند ساخت و ساز، واردات کالا، ایجاد شرکت‌های خدماتی و ... این نوع اقدامات که روند روبه‌رشدی را

نشان می‌دهد به مرور باعث افزایش فاصله از اخلاق حرفه‌ای گردیده و سطح پاسخگویی را به شدت کاهش می‌دهد.

ه) رانت‌گرایی و ویژه‌خواری: رانت می‌تواند قالب‌های متفاوتی گرفته و در صورت عدول از اخلاق حرفه‌ای فرصت‌های بی‌نظیری را برای کنشگران حرفه‌ای در پی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های رانت‌آفرین دسترسی به «اطلاعات» است، چه اطلاعات انفرادی از مراجعان و مخاطبان و چه اطلاعاتی که در سطح عمومی وجود ندارد و کنشگران نخبگی تنها به دلیل نقش حرفه‌ای خود در معرض این اطلاعات قرار می‌گیرند. عدول از اخلاق حرفه‌ای باعث می‌گردد که افراد و صاحبان نقش حرفه‌ای به‌ویژه در عرصه‌های اقتصادی تلاش می‌نمایند از این نوع اطلاعات بهره‌برداری‌های انفرادی نمایند که ضمن تناقض با مبانی اخلاق حرفه‌ای، مصون از پیامدهای آسیب‌شناختی در سطح فردی و اجتماعی نیست.

و) حساسیت اخلاقی^۱: «حساسیت اخلاقی» ملاک اصلی بررسی افول یا صعود یک جامعه از حیث اخلاقی است. وقتی فردی هنجارشکنی می‌کند و نه از سمت خودش احساس سرزنش‌گری وجود دارد و نه از سمت جامعه و اطرافیان، به معنی کاهش حساسیت اخلاقی و از دست رفتن حدود و معیارها است و گویی اساساً عمل خلافی رخ نداده است. همیشه افرادی بوده‌اند که به دلایل مختلف به بدکاری عادت کرده‌اند و حساسیت اخلاقی خود را به پایین‌ترین سطح ممکن رسانده‌اند؛ اما وقتی این شرایط غالب شده و اکثریت جامعه دچار کرختی اخلاقی شده و حساسیت خود را نسبت به بدی و خوبی از دست دهند، این به معنای وضعیت بحرانی و افول فرهیختگی اخلاقی در یک جامعه می‌باشد.

به نظر می‌رسد گرچه کثرت تخلفات و خطای اخلاقی، خود منجر به کم‌شدن حساسیت اخلاقی می‌شود، اما ملاک اصلی برای افول اخلاق و فرهیختگی اخلاقی را باید کاهش حساسیت اخلاقی دانست. حساسیت اخلاقی پایه اخلاق و ویژگی‌ای است که شخص را به شناخت کشمکش‌های اخلاقی و برداشت خود از موقعیت آسیب‌پذیر و آگاهی از نتایج اخلاقی در تصمیم‌گیری خود در مورد دیگران قادر می‌سازد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

کثرت و گستردگی نقض اصول اخلاقی و حرفه‌ای در اکثر جوامع امری مبتلا به است، نقض اصول اخلاق جنسی و تعرضات جنسی، خیانت‌های زناشویی، تخلفات اخلاقی پزشکان و مهندسان، اختلاس در بین مدیران دولتی، انحرافات اخلاقی جوانان و مسائلی از این قبیل در همه جوامع و ادوار به انواع مختلف بوده و خواهد بود؛ اما آنچه می‌تواند برای سنجش اخلاقی بودن و فرهیخته بودن یک جامعه دلگرم‌کننده باشد، حساسیت جو عمومی و مردم جامعه نسبت

۱. Moral sensitivity

به نقض اصول اخلاقی مرتبط با این موضوعات است که در نهایت می‌تواند فراوانی این تخلفات را نیز کنترل کند. در ادبیات دینی و ذیل موضوع عادی شدن گناه به این موضوع اشاره شده و فردی که گناهکاری را ببیند و در خود هیچ تغییری احساس نکند را مرده‌ای در بین زندگان خطاب کرده است.^۱

از سویی موضوع امر به معروف و نهی از منکر که در ادبیات دینی به صورت عمیقی به آن پرداخته شده است، از جمله زمینه‌هایی است که می‌توان در حوزه حساسیت اخلاقی و اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و هنجارها به آن اشاره کرد. امر به معروف و نهی از منکر که از آن به‌عنوان فضیلتی بالاتر از جهاد و مایه آبادانی و عمران شهرها یاد شده است، یکی از عناصر هویتی شیعی است که هدف آن ایجاد حساسیت در فرد و از بین بردن بی‌تفاوتی می‌باشد.

۲-۲- عوامل و زمینه‌های تأثیر گذار در افول اخلاق حرفه‌ای

الف) مشکلات شناختی

یکی از بزرگترین چالش‌های روزگار ما مشخص نبودن مناظ و معیار اخلاق است. در جوامع سنتی به دلیل هیمنه اخلاق دینی بر جامعه، اخلاق با رنگ و بویی دینی همچنان با قدرت و در صحنه قضاوت‌ها و داوری‌ها، فعال است، اما در جامعه‌ای که این قدرت و هژمونی کمرنگ‌تر و یا متزلزل‌تر شده است، در کنار از بین رفتن ضمانت اجرایی اخلاق که همان دین است، مشکل معرفتی هم به وجود می‌آید و این سؤال مطرح می‌شود که اساساً ملاک درستی و نادرستی چیست؟ امروزه سه مکتب اخلاقی وظیفه‌گرا، فضیلت‌گرا و سودگرا در ادبیات فلسفه اخلاقی جهان حاکم است و جوامع و رفتارهای انسان‌ها متأثر از هر سه می‌باشد. گاه به سمت تکلیف و انجام تکالیف اجتماعی و اخلاقی به هر قیمتی حرکت کرده و گاهی تحت تأثیر سودگرایی و مشکلات اقتصادی به سمت سودگرایی و از سوی برخی از جریان‌ها به سمت رفتار مبتنی بر فضیلت‌های درونی حرکت می‌کند؛ هویت سه‌تکه‌ای اخلاقی که فرد، سازمان و جامعه را به سمتی می‌کشد و هنجارهای ثابتی برای سنجش‌گری باقی نمی‌گذارد.

از سوی دیگر امروزه حرفه‌ها و سازمان‌ها دچار مفهومی به نام چالش^۲ هستند. چالش از جمله کلیدواژه‌هایی است که در علوم مختلف و فرهنگ عامیانه کاربرد دارد. در حوزه اخلاق نیز طی سال‌های گذشته انبوهی از مقالات در زمینه‌های مختلف با طرح کلیدواژه چالش‌های اخلاقی

۱. مَنْ تَرَكَ الْفُجُورَ بَقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ (تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۸۱)

۲. Challenge

منتشر شده است. در عین حال به نظر می‌رسد نوعی ابهام در بهره‌برداری از این کلیدواژه وجود دارد. چالش اخلاقی را حداقل در دو معنی می‌توان به کار برد:

● چالش اخلاقی به معنای مشکل و مسئله اخلاقی^۱

● چالش اخلاقی به معنی تعارض و دوراهی اخلاقی^۲

مشکل اخلاقی، سطح آشکار و محسوس هرگونه اختلال و نابسامانی در حوزه اخلاق و مسئله اخلاقی نیز سطح زیرین و ریشه‌ای مشکل اخلاقی که سبب بروز اختلاف می‌باشد، تعریف شده است. مشکلات اخلاقی لزوماً شامل انحرافات عملی نیست و روشن نشدن وظیفه به دلیل وجود تعارض اخلاقی حل نشده سبب به وجود آمدن مشکل اخلاقی شده است (بوسلیکی، ۱۳۹۵: ۶). اما در تعریف تعارض اخلاقی که یکی از مفاد و معانی استفاده شده در حوزه چالش‌های اخلاقی است می‌توان گفت:

تعارض اخلاقی موقعیتی است که در آن عامل S با داشتن دلایل اخلاقی باید عمل A را انجام دهد و با داشتن دلایل اخلاقی باید عمل B را انجام دهد اما نمی‌تواند هر دو عمل را با هم انجام دهد، یا به دلیل این که B دقیقاً عدم انجام A است یا به دلیل اینکه برخی از ساختارهای بیرونی موجود از انجام همزمان این اعمال جلوگیری می‌کنند (Gowans, 1987: 3).

امروزه در موضوعات مختلفی این بلاتکلیفی اخلاقی حاکم است. این بلاتکلیفی یا ناشی از آن است که نمی‌دانیم چه باید بکنیم و یا برخاسته از آن است که نمی‌دانیم به آنچه باید انجام دهیم، چگونه برسیم (قراملکی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

در حوزه اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، مدیریت‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی و حتی در باب اخلاق فردی امروزه تعارضات جدی اخلاقی وجود دارد که فرد به راحتی نمی‌تواند تصمیم‌گیری کند. تعدیل نیرو و تبعات منفی آن به عنوان یکی از پدیده‌های شوم مشکلات اقتصادی به شمار می‌رود که از سویی برای جامعه تبعات اخلاقی و اجتماعی داشته و از سویی منافی برای سازمان دارد. در حوزه‌های پزشکی مواردی همچون سقط جنین، حریم خصوصی بیماران، تغییر هویت جنسی، در حوزه‌های امنیتی چالش‌های بین حریم خصوصی و منافع ملی و در حوزه مدیریت‌های نظامی چالش‌های اخلاق زیست‌محیطی و از سویی اقتضائات جنگ و در حوزه‌های دانشگاهی چالش‌های اخلاق پژوهش، تنها بخش کوچکی از دغدغه‌های اندیشمندان اخلاق کاربردی در حوزه تعارضات می‌باشند. مثال‌هایی

۱. Moral problem

۲. Moral conflict, Moral dilemma

از این دست نشان می‌دهد در بسیاری از موضوعات به نتیجه رسیدن به راحتی ممکن نیست و نیازمند تأملات نظری جدی است.

ب) نسبی‌گرایی عملی و تهی‌شدن جامعه حرفه‌ای از ارزش‌های اخلاقی

در کنار نسبی‌گرایی نظری و مشکلات شناختی به نظر می‌رسد که نسبی‌گرایی عملی که بخشی از آن ناشی از نسبی‌گرایی نظری است یکی از ریشه‌های افول فرهیختگی می‌باشد. گونه‌ای از نسبی‌گرایی که در آن گرچه ملاک‌های نظری به صورت کم و بیش منقح شده است، اما فرد در مقام عمل، دچار نوعی بی‌تفاوتی و نسبییت است. در این فضا خود معیارهای اخلاقی برای فردی که آنها را نقض می‌کرد امری مسلم بوده و لذا حتی در همان حال که آنها را زیر پا می‌گذارد، اقتدار آنها را گرامی می‌دارد. این حالتی است که از آن به «بی‌هنجاری نااخلاقی»^۱ تعبیر شده است و این جدای از یک فرهنگ غیراخلاقی است که در آن اصول اخلاقی نقض می‌شود.^۲

ج) رادیکالیزم تسامح و بی‌تفاوتی اجتماعی

در ادبیات علوم اجتماعی «متافیزیک حضور» به وضعیتی گفته می‌شود که در آن فرد به دلیل رشد و تعالی آگاهی، حضور خود را در عرصه‌های اجتماعی با کنش‌ورزی فکری و عملی نشان دهد و حتی علیرغم جهت‌گیری اکثریت توان نه گفتن را به‌مثابه یک حق داشته باشد. در نقطه مقابل «اکثریت خاموش» به مردمی اشاره دارد که نسبت به مسائل جامعه خود بی‌تفاوت و بی‌اعتنا هستند (صداقتی‌فر، ۱۳۹۲: ۶).

یکی از پرونده‌هایی که حساسیت آسیب‌شناسان اجتماعی و اخلاقی را نسبت به این موضوع فعال کرد، حادثه‌ای بود که در میدان کاج تهران اتفاق افتاد. روز پنج‌شنبه ششم آبان ۸۶ فاجعه دلخراشی در میدان کاج تهران رخ می‌دهد که در اثر آن قاتل با ضربات چاقو، فردی به نام محمدرضا را به قتل می‌رساند. قاتل بعد از وارد کردن ضرباتی به محمدرضا چاقو را روی سینه خود می‌گیرد و دیگران را تهدید می‌کند که اگر کسی به آنها نزدیک شود خودش را می‌کشد. در این حادثه، نه مردم به کمک مصدوم می‌آیند و نه پلیس کاری می‌کند تا آنکه کار از کار می‌گذرد و مصدوم، مقتول می‌شود (گزارش سایت عصر ایران)!

در این حادثه افراد زیادی تنها نظاره‌گر کشته‌شدن یک انسان بودند و هیچ اقدامی در راستای جلوگیری از رفتار زنده قاتل نداشتند و تأسف بارتر اینکه بسیاری در حال فیلم‌برداری برای ارسال به دوستان خود بودند.

د) ضعف بنیان‌های نقد اجتماعی

^۱.Non-moral

^۲.Immoral

نظارت اجتماعی و کنترل‌های رسمی در چارچوب‌های فرهیختگی و نقد اجتماعی مهم‌ترین سازوکار در فرایند اصلاح اجتماعی محسوب می‌شود. نقد درون قشری یا نقد حرفه‌ای و نقد اجتماعی و برون حرفه‌ای، بنیان اساسی نظارت و بازاندیشی روندها و روال‌های اجتماعی است. ضعف بنیان‌های نقد، سکوت، بی‌تفاوتی و یا ممانعت از آن در کنار بسته بودن مبادی انتقادی، روند عدول از اخلاق و رشد ناهنجاری در اخلاق‌های حرفه‌ای را به شدت تسهیل خواهد کرد.

ه) کالا انگاری انسان‌ها

یکی از آموزه‌های مکرر ادیان و حکیمان الهی تأکید بر جایگاه، شأن و کرامت انسان‌ها بوده است. در این فضا هر انسانی بماهو انسان برای خودش، جایگاه و احترام داشته و در ادبیات دینی نیز انسان به حکم ظرفیت‌هایش برای جانشینی خدا بر زمین مورد احترام است. بر اساس این آموزه با انسانی که دارای کرامت است، نمی‌توان همانند یک شیء رفتار کرد، زیرا انسان دارای کرامت، وسیله نیست بلکه هدف است و بر همین اساس هیچ‌کس حق ندارد او را در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای بازی دهد.

این اصل در اخلاق حرفه‌ای نیز به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مطرح و اگر رفتار ما باعث شود تا انسانی وسیله رسیدن ما به غایات دیگر شود، چنین رفتاری، قطعاً غیراخلاقی است. با توجه به این اصل یکی از رویه‌های جدی مشاغل نظیر پزشکی، مهندسی و مدیریت که سرمایه اصلی آن انسان‌ها هستند، توجه به شأن و جایگاه انسان می‌باشد. در این شرایط حریم خصوصی انسان، اطلاعات خصوصی او و همه حوزه‌های مربوط به او ارزشمند شده و مشاغل، ابزارها و امکانات در خدمت او هستند نه او به‌عنوان کالایی برای رشد مادی و مالی صاحبان مشاغل و شرکت‌ها.

امروزه در فضایی متفاوت با این انگاره و با در نظر نگرفتن پیوسته‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی انسان، سیاست‌گذاری‌ها و کنش‌های متفاوتی از سوی جامعه صاحبان مشاغل و مدیران صورت می‌گیرد که انسان را به‌مثابه کالا و شیء فرض می‌کند. این در شرایطی است که طبق اصول اولیه اخلاق حرفه‌ای و مدیریت، انسان را نباید همچون شیء و بدون روح و نیازهای روحی و روانی در نظر گرفت. در واقع در دوگانه اقدامات ضروری و اخلاقی، یک مدیر پایبند به اصول اخلاقی باید بتواند در عین پایبندی به اصول اخلاقی، راه‌حلی را برای حفظ ضرورت‌ها پیدا کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فرهیختگی اخلاقی فرایندی است که سال‌ها ورزه و ریاضت از سوی افراد و سیستم‌ها را می‌طلبد و در این مسیر نیاز به نهادینه‌شدن اصول اخلاقی و شناسایی چالش‌های اصلی می‌باشد. امروزه مدیریت و سیاست‌گذاری‌های کلان نیاز به پیوست‌های اخلاقی دارد. پیوست‌های اخلاقی‌ای که با فهم و توجه به حساسیت‌های اخلاقی بتواند حرفه‌ها، مشاغل، سازمان‌ها و جو عمومی کشور را به اخلاق و اصول اخلاقی ملزم و متوجه کند که برای طی روند فوق شش مرحله نیاز است:

- (الف) استحصال اصول و قواعد اخلاق با تأکید بر روش حل مسئله (چالش‌های اخلاقی)
- (ب) آموزش اصول و قواعد اخلاق در سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی
- (ج) تبدیل اصول و قواعد به آیین‌نامه
- (د) برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول و آیین‌نامه‌های فوق
- (ه) تعیین نظام پاداش و جزاء
- (ی) تشکیل کمیته‌های نظارتی بر حوزه اخلاق همچون کمیته اخلاق در کنار کمیته انضباطی

منابع

- ابی جعفر بن الحسن الطوسی (۱۳۸۶)، تهذیب الاحکام، انتشارات نور وحی.
- بوسلیکی، حسن (۱۳۹۵)، آشنایی با فلسفه اخلاق، جزوه آموزشی دانشگاه المصطفی العالمیه (ص).
- توکلی، محمدجواد (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه اخلاق تجارت با رویکردی اسلامی، نشریه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره اول.
- سایت عصر ایران، کد خبر ۱۴۳۸۶۲
- شریعت، فرهاد و مهدی نادری (۱۳۹۰)، جدال اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی، نشریه پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره هفتم، شماره ۱.
- صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۲)، بی‌تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری، سبب‌شناسی)، اصفهان بهتاش پژوهش.
- عباس زاده، عباس، فریبا برهانی و لیلیا مؤذن (۱۳۸۹)، مقایسه میزان حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری و پرستاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال چهارم، شماره دوازدهم صص ۴۰-۵۴.
- قراملکی، احمد (۱۳۸۸)، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، چاپ دوم، تهران، انتشارات سرآمد.
- قراملکی، احمد (۱۳۹۳)، اخلاق حرفه‌ای، تهران، انتشارات مجنون.

مجتهدی، کریم (۱۳۹۳)، فرهیخته کیست؟ فرهیختگی چیست؟ روزنامه ایران، شماره ۵۶۳۴، صفحه

۱۷.

ملکیان، مصطفی (۱۳۹۱)، سیری در سپهر اخلاق، روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۴۰.

مهدوی، غلامحسین و عبدالحمید هوشمند (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر فرهنگ اخلاقی سازمان بر رفتار

حسابرس، نشریه دانش حسابرسی، سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱۰۷-۱۲۶

نراقی، مهدی (۱۳۸۲)، جامع السعادات، قم، ناشر اسماعیلیان.

Gowans, Christopher (1987), 'The Debate on Moral Dilemmas', in *Moral Dilemmas*, Christopher W. Gowans (ed.), New York, Oxford University Press